

◇ فصلنامه علمی - پژوهشی زن و فرهنگ

سال اول . شماره چهارم . تابستان ۱۳۸۹

رویکردی زنانه به اخلاق آموزشی (نل نودینگز و نظریه غم خواری)

مونا سرشار *

چکیده

این مقاله بر اساس درک عمیقی از "اخلاق غم خواری" نل نودینگز، فیلسوف زن می باشد، به عنوان سهمی مهمی که در فلسفه و تعلیم و تربیت اخلاقی دارد. رویکرد غم خواری، یکی از رویکردهای معاصر در فلسفه اخلاق است که می توان آن را در حیطه نظریه های عاطفه گرا قرار داد. نظریه غم خواری با تعریفی از روابط غم خواری، غم خوار و فرد مورد غم خواری شروع می شود. این نظریه، رویارویی ها و ارتباط های غم خواری را توضیح می دهد و به چگونگی پایه گذاری، حفظ و تقویت این ارتباط ها کمک می کند. مبنای اصلی تربیت اخلاقی در اخلاق غم خواری، این است که انسان به طور طبیعی تمایل دارد، مورد غم خواری قرار بگیرد. غم خواری، احترام به دامنه وسیعی از استعدادهای بشر را به اثبات می رساند.

کلید واژگان: اخلاق غم خواری، نودینگز، غم خواری، عاطفه گرا

مقدمه

رویکرد زاننه به اصول اخلاقی و تعلیم و تربیت اخلاقی، برای اولین بار توسط نل نودینگز^۱ در سال ۱۹۸۴ مطرح شد. از آن به بعد نودینگز، تأثیر بزرگی بر فلسفه اخلاقی، فلسفه تعلیم و تربیت و تربیت اخلاقی گذاشته است. طرح تربیت «اخلاق غم خواری»^۲ در طی ۲۰ سال گذشته، با انتقادهای بسیار اکنون به بلوغ رسیده است (دیکوست^۳، ۲۰۰۹). نودینگز محور تربیت اخلاقی را انسان دانسته، منشأ اخلاق را در طبیعت انسان جست و جو می کند، نودینگز معتقد است که در غم خواری فرد در حالتی از رنج و اضطراب قرار می گیرد. در حقیقت، این حالت او را بیدار می کند تا از خود فراتر برود. بر اثر همین بیداری و حالات است که نیازهای دیگران را نیازهای خود می داند و در جهت ارضای آنها به گونه ای تلاش می کند که دیگری را خود فرض می کند. در حقیقت، اساس این رویکرد میل عاطفی نسبت به دیگران است و این میل ناشی از تجاربی است که فرد در کودکی یا در گذشته مورد غم خواری قرار گرفته است. اخلاق در این رویکرد، با توجه به دیگران و در ارتباط با دیگران ساخته می شود و این اخلاق از خود و دیگران جدا نیست (موحد، باقری، سلحشوری، ۱۳۸۷).

هم چنین، نودینگز (۱۹۸۴) در تعریف غم خواری می گوید: در فرهنگ لغات، غم خواری حالتی از رنج روانشناختی یا مجذوبیت^۴ است: غم خواری، قرار گرفتن در حالت روانشناختی تحمیلی، حالتی از اضطراب، ترس یا نگرانی درباره چیزی یا کسی است. به عنوان مثال، غم خواری شخص برای چیزی یا کسی بدین معنا است که آن شخص برای ماهیت آن چیز یا آن فرد احترام می گذارد و غم خواری می تواند به معنای مطالبه حمایت، آسایش یا حفظ چیزی یا کسی باشد. این توضیحات، کاربردهای مختلفی از «غم خواری» را نشان می دهد، اما در عمیق ترین حس انسانی، ما عناصری از هر کدام آن ها را می بینیم که با غم خواری در گیر شده اند.

برخی از مبانی روانشناختی در دیدگاه نودینگز:

غم خواری طبیعی

نودینگز معتقد است، اخلاق با حسی از وظیفه شناسی برانگیخته می شود، این حس وظیفه شناسی را غم خواری می نامد و آن را به دو مقوله تقسیم بندی می کند «غم خواری طبیعی»^۵ و «غم خواری اخلاقی»^۶ (حسن، ۲۰۰۸). افراد در اثر ریشه داشتن در غم خواری، در بسیاری از موقعیت های انسانی مشترک، بی اختیار نسبت به وضع بد دیگران واکنش نشان می دهند. چنین واکنش خود به خودی را نودینگز «غم خواری طبیعی» نامیده است. زمانی که فرد احساس می کند در پاسخ دیگران «باید» کاری انجام دهد اگر این پاسخ از روی میل، رغبت و علاقه باشد، این رابطه یا این نوع برخورد را غم خواری

1. Nel Noddings

2. ethics of care

3. Decoste

4. engrossment

5. natural caring

6. caring ethics

طبیعی می نامند. اما در مواردی که «من باید» اولیه با مقاومت و تعارض درونی روبه رو شود لازم است که به آرمان های اخلاقی خود به عنوان افراد غم خوار و خاطراتی راجع به غم خواری و مورد غم خواری بودن مراجعه کنیم تا به نیاز فرد مقابل پاسخ دهیم. این فرایند را می توان «غم خواری اخلاقی» نامید (غفاری، ۱۳۸۵).

خود اخلاقی^۱

نودینگر نظریه اش را درباره خود این گونه آغاز می کند: ما "خود"^۲ را در لحظه به عنوان یک ارتباطی توصیف می کنیم که مجموعه ای از رویارویی ها را دربر می گیرد:

$$At = \{(A_1, B), (A_2, C), (A_3, D), \dots (A_4, e), (A_5, f) \dots\}$$

A تعریف های مختلفی از خود پیشین در زمان t ارایه می دهد. حروف های بزرگ (...B, C) افراد دیگر و حروف های کوچک (...e, f) موضوعات، تصورات و چیزهای غیر انسانی دیگر می باشند (نودینگر، ۲۰۰۲).

اظهار نظر نودینگر مبنی بر این است که خود، یک رابطه پویا است و به همین دلیل مرکز عاطفه و معنا می باشد. خویشتن یک فرد، به عنوان یک نهاد شکل گرفته با اثر متقابل ذهن و جسم ادراک می شود، عواطف معنوی و جسمی که یک فرد در تمام رویارویی ها^۳ به صورت جداگانه تجربه می کند و آن ها را در کنار هم قرار می دهد. بنا به گفته نودینگر، خود در درجه اول رابطه ای است و هرگز اصلاح نمی شود. خود رابطه ای هم "عادت" است، آن جنبه های اجتماعی خویشتن که تا اندازه ای تکراری می باشد و هم "آرمانی" است که همیشه تصور خود فرد، بهترین حالت اخلاقی را ارایه می دهد (دیکست^۴، ۲۰۰۹).

زمانی که بر طبق روابط غم خواری اصیل و ناب رفتار می کنیم، تصویری از خودمان می سازیم که ناقص است و فقط در حدی است که خودمان را به عنوان یک فرد غم خوار درک می کنیم. زمانی این تصویر کامل می شود که پاسخ هایی را از فرد مورد غم خواری دریافت کنیم. البته به طریقی هم عمل می کنیم که مورد غم خواری قرار بگیریم؛ طبق نظر نودینگر، ایده آل اخلاقی، تصور خودمان به عنوان یک فرد غم خوار است، این تصور ما را هدایت می کند تا تلاش کنیم با دیگران اخلاقی برخورد کنیم (موحد، باقری و سلحشوری، ۱۳۸۷).

ارتباط متقابل

نظریه غم خواری با تعریفی از روابط غم خواری، غم خوار و فرد مورد غم خواری شروع می شود. غم خوار به فرد مورد غم خواری گوش می دهد و به طور خاص به نیازهای بیان شده توجه می کند (نودینگر،

1. moral self
2. self
3. encounters
4. Decoste

۲۰۰۳). سایمون ویل^۱ (۱۹۷۷) در مورد این توجه می گوید: روان خودش را از تمام محتویاتش خالی می کند تا هستی آن چه را که بدان می نگرد را به درون خود بپذیرد. این توجه دریافتی با مجذوبیت و جابجایی انگیزشی^۲ همراه است بدین معنی که انرژی انگیزشی غم خوار، در جریان نیازهای بیان شده فرد مورد غم خواری قرار می گیرد، در ساده ترین رویارویی غم خواری، نیاز فرد مورد غم خواری، سریع و به سادگی مطرح می شود، در موارد دیگر ممکن است چندین مواجهه و رویارویی وجود داشته باشد. برای کامل کردن یک رویارویی یا ارتباط غم خواری، فرد مورد غم خواری باید به گونه ای پاسخ دهد که از تلاش های فرد غم خوار قدردانی می نماید. این پاسخ می تواند یک اظهار صریح و روشن قدردانی باشد. بدون این پاسخ ها از جانب فرد مورد غم خواری، با وجود تلاش های غم خوار هیچ ارتباط غم خواری وجود ندارد. نقطه مورد نظر، شناسایی و تشویق حالت هایی از پاسخ دادن است که پایه گذاری، حفظ و تقویت روابط غم خواری را موجب می شود (نودینگز، ۲۰۰۸).

اهمیت غم خواری به عنوان یک هدف تربیتی و پیشنهادی برای رشد برنامه آموزشی در حیطه "مرکزهای غم خواری" در دو کتاب نودینگز، غم خواری: «رویکردی زنانه به اصول اخلاقی و تربیت اخلاقی»^۳ و «چالش غم خواری در مدارس»^۴ مطرح شده است. او در آن ها تناقض موجود در دنیایی که غم خواری می کنیم و مورد غم خواری واقع می شویم را توضیح داده است (نودینگز، ۱۹۸۴)، اما در روابط بالغ انتظار داریم که روابط غم خواری با کیفیت و متقابل باشد، بدین معنی که دو عضو این رابطه به طور منظم جای خود را با یکدیگر عوض کنند، یعنی هر کدام به نوبت غم خوار باشند یا مورد غم خواری قرار بگیرند. در صورتی که این اتفاق نیفتد روابط از هم می پاشد. اما بسیاری از روابط به واسطه ماهیت خود نابرابر می باشد، روابطی مانند مادر-طفل، پرستار-بیمار و معلم- دانش آموز (نودینگز، ۲۰۰۸).

رویکرد نودینگز در غم خواری مبتنی بر این است که ابتدا تشخیص بدهیم برخی روابط در زندگی مهم تر است و در این روابط ما به طور طبیعی تمایل داریم با آن هایی که تعلق خاطر داریم، به خوبی غم خواری کنیم (فیری، ۱۹۹۷).

نودینگز غایت برقراری ارتباط را رسیدن به نیازها و پاسخ های مورد نیاز برای حفظ ارتباط غم خواری می داند. نودینگز رسیدن به نتیجه متفاوت را منبعث از تفاوت های مربوط به جنس نمی داند بلکه معتقد است رویکرد غم خواری را می توان به طور کامل تر و طبیعی تر در تجربه ای که به طور سنتی با زنان پیوند خورده است ملاحظه نمود (غفاری، ۱۳۸۵).

1. Simone Weil

2. motivational displacement

3. A Feminine Approach to Ethics and Moral Education

4. The Challenge to Care in Schools

5. Fieri

برخی از مبانی فلسفی در دیدگاه نودینگر :

عاطفه گرایی^۱

در عاطفه گرایی، رفتار اخلاقی مبتنی بر حس همدردی و هم دلی است؛ یعنی نیرویی که به واسطه آن، انسان در لذت و درد دیگران شریک می شود. اخلاق عاطفه گرا معتقد است که ارزش اخلاقی رفتار، ناشی از این است که به دنبال خیر دیگران باشیم. ملاک اخلاق در این مکتب، عاطفه و انگیزه دیگرخواهی است. کارهایی که از روی عواطف و به انگیزه خیرخواهی انجام می شوند (مانند هم دردی) به لحاظ اخلاقی ارزشمندند و کارهایی که صرفاً به انگیزه خودخواهی انجام می شوند، بی ارزش اند.

نودینگر معتقد است که اخلاق غم خواری بر عاطفه تأکید می کند. البته تأکید بر عاطفه به این معنا نیست که رویکرد غم خواری را یک رویکرد غیر عقلانی یا ضد عقلانی بدانیم؛ بلکه این رویکرد خود ناشی از عقلانیت است؛ زیرا در موقعیت های مناسب، فرد غم خوار بر مبنای ملاک های عقلانی انتخاب می کند (موحد، باقری، سلحشوری، ۱۳۸۷)، اما تأکید اصلی اش بر پایه گذاری، حفظ و تقویت روابط است نه بر تصمیم گیری در موقعیت هایی که تعارضات اخلاقی وجود دارند (نودینگر، ۲۰۰۸).

غم خواری برای افراد و چیزهایی که با آن ها رو به رو می شویم، جدا از ارزشی که برای ما دارند، به خودی خود ارزش قایل است؛ رشد، بالندگی و شکوفایی آن ها مهم است نه خشودی ما و این نیازمند ثبات، شکیبایی، خلوص، اعتماد، تواضع و امیدواری است (غفاری، ۱۳۸۵).

هستی گرایی

مارتین بابر^۲ به دو نوع رابطه اساسی بین فرد و دیگری معتقد است و این دو رابطه را از هم دیگر باز می شناسد: رابطه من و آن و رابطه من و تو. در رابطه من و آن، فرد خود را از دیگری جدا می بیند، اما در رابطه من و تو خود را در ارتباط متقابل با دیگری می بیند. نودینگر متأثر از بابر، به تبیین رابطه میان فرد غم خوار و فرد مورد غم خواری می پردازد. در دیدگاه نودینگر، غم خواری یک نوع رابطه ای است که بهترین حالت آن، ارتباط میان دو فرد، فرد غم خوار و دیگری فرد مورد غم خواری است، که این ارتباط غم خواری نامیده می شود. هر نوع ارتباطی غم خواری محسوب نمی شود زیرا در ارتباط غم خواری حالتی از هشیاری در فرد غم خوار وجود دارد که به جابجایی انگیزشی و غرق شدن یا فنا شدن در دیگران منجر می شود. فرد در حین انجام غمخواری، به طور واقعی می شنود، می بیند و آنچه را در پی انتقال آن به دیگران است، کاملاً احساس می کند. (موحد، باقری، سلحشوری، ۱۳۸۷).

فمینیسم^۳

اخلاق غم خواری به «اخلاق مدافعان حقوق زن» معروف است. از نظر نودینگر، در حالی که رویکرد

1. emotivism

2. Martin Buber

3. feminism

اصل گرا و استدلال گرا به اخلاق^۱، پدرانه یا مردانه است، رویکرد غم خواری، رویکردی مادرانه یا زنانه است؛ این رویکرد که نوعاً در زنان بهتر از مردان یافت می شود، با «نگرش» اخلاقی و «اشتیاق» به خوبی آغاز می شود. پس زنانه بودن آن به این معنی نیست که مورد پذیرش تمام زنان یا در تمام مردان واقع می شود. بلکه زنانه بودن آن در معنی عمیق و کلاسیک آن و ویژگی های پذیرندگی، پیوستگی و پاسخ دهی است. از سوی دیگر، منطق نیز، مطرود زنان یا بیگانه از آن ها نیست؛ چنانکه مردان نیز مشکلی با غم خواری ندارند؛ زیرا زن و مرد برای حفظ زندگی، ارتقا کیفیت روابط و تقویت رشد فردی مشترکاً علاقه نشان می دهند. زنان در روبه رو شدن با مسایل اخلاقی، به دنبال اطلاعات بیشتر از موقعیت های واقعی هستند و می خواهند احساسات، برداشت ها، انگیزه ها و دلایل افراد درگیر این موقعیت ها را بشنوند و با نگاه کردن در چشم و دیدن بیانات چهره ای آن ها، درک دقیق تر و درست تری از شرایط آنان داشته باشند. پاسخ دادن به مسایل عملی اخلاق، از لحاظ کیفی متفاوت با پاسخ به مسایل هندسی است و از طریق رجوع به اصول جهانی اخلاق ممکن نیست. با تمام این تفاسیل، رویکرد زنان نسبت به مسایل اخلاقی، فروتر از رویکرد مردانه تلقی می شود (غفاری، ۱۳۸۵).

زنان، به ویژه، به نظر می رسد در موقعیت های واقعی به مشکلات اخلاقی به گونه ای نزدیک می شوند که تا آنجایی که ممکن است خود را نزدیک آن قرار می دهند و مسئولیت فردی برای انتخاب هایشان قایل می شوند. آن ها خود را در عبارت غم خواری توضیح و در مسیر مشکلات اخلاقی موقعیت غم خواری قرار می دهند. این موقعیت یا نگرش غم خوارانه، ساختار پیچیده ای از خاطرات، عواطف و ظرفیت ها را فعال می کند. علاوه بر آن، فرایند تصمیم گیری که بر اساس غم خواری بنا نهاده شده است، نیازمند روند به هم پیوستگی است تا انتزاع از دیگری. نودینگز می گوید: استفاده از کلمه زنانه در مورد این اخلاق، به معنی اختصاص دادن آن به زنان نیست، بلکه مقصود، اشاره به تجربه متمادی زنان در این زمینه و تکالیف و ارزش های مرتبط با این تجربه بوده است (نودینگز، ۱۹۸۴).

روش شناسی در دیدگاه نودینگز

گفت و گو^۲

نیاز اساسی در روابط غم خواری، گفت و گو می باشد. در گفت و گو است که دیگران را می شناسیم و نیازها بیان می شود. بدون گفت و گو، کسانی که میل به غم خواری دارند و کسانی که علاقه مند به مورد غم خواری قرار گرفتن می باشند، باید بر پایه استنباط و حدس غم خواری کنند (نودینگز، ۲۰۰۲). بعضی اوقات، استنباط و حدس یک انتخاب است. یک پدر یا مادر ممکن است بدون صحبت با فرزند خود، بر این باور باشند که از نیازهای فرزند خود آگاه هستند. در این روابط، پایه گذاری روابط غم خواری می تواند مکرراً با شکست مواجه شود، زیرا از دیگری چیزی دریافت نکرده اند. تشخیص نیازهای بیان شده در گفت و گو، در در هر یک از تعاملات بشر مهم است و به کارگیری گفت و گو

1. ethics of principle

2. dialogue

در مرکز تعلیم و تربیت صلح قرار دارد. در گفت و گو، از نیازها، انگیزش ها و علایق دیگران آگاه می شویم (نودینگر، ۲۰۰۷).

نظریه غم خواری بر جلوگیری از درگیری های جسمانی و حفظ زندگی متمرکز است. باید به فرزندان خود آموزش دهیم که پایه گذاری روابط غم خواری به چه معنا است و سپس غم خواری را در زنجیره علایق مشترک گسترش دهیم. برای بنیان این زنجیره ها باید از گفت و گوی پیوسته و غیر مشروط استفاده کنیم (نودینگر، ۲۰۰۸).

آموزش موضوعات غم خواری

نودینگر معتقد است که ما باید از تلاش هایی که در زمینه تحصیلی انجام می شود، توقع بیشتری داشته باشیم و این امر به تحقق نمی پیوندد مگر اینکه، فرزندانمان به این باور برسند که مورد غم خواری قرار می گیرند و یاد بگیرند که دیگران را مورد غم خواری قرار دهند. هم از جهت علمی و هم انسانی باید با قرار دادن موضوعات راجع به غم خواری در برنامه درسی دانش آموزان، به چیزهای بیشتری دست یابیم. نخست، بعضی از این موضوعات می تواند دانش فرهنگی دانش آموزان را به خوبی گسترش دهد. به عنوان مثال، در کلاس ریاضیات، تلاش ریاضیدانان بزرگ را برای اثبات وجود خدا، مورد بحث قرار دهیم. دانش آموزان، اسم ها، ایده ها و کلماتی را که بخشی از برنامه درسی استاندارد نیست را می شنوند و این می تواند در گسترش افق فکری فرهنگی و القای مطالعات اضافی نقش بزرگی داشته باشد. دوم، موضوعات غم خواری، دانش آموزان و موضوعات را به سؤالات هستی گرایانه بزرگ مرتبط می سازد. معنی زندگی چیست؟ آیا خدایی وجود دارد؟ چگونه باید زندگی کنم؟ سوم، در میان گذاشتن موضوعات غم خواری می تواند ما را به صورت فرد به فرد به یکدیگر مرتبط سازد. زمانی که معلم درباره موضوعات غم خواری بحث می کند، ممکن است از دید دانش آموزان افراد واقعی محسوب شوند و آن ها را به ساختن دانش جدید توانا سازند. چهارم، غم خواری فقط به معنای یک احساس گرمی که افراد را مهربان و دوست داشتنی جلوه بدهد، نمی باشد. غم خواری، تحقیقات پیوسته ای را درباره صلاحیت و شایستگی به کار برده است. زمانی که غم خواری می کنیم، می خواهیم بهترین خود را برای موضوعات مورد غم خواری خود انجام دهیم. برای داشتن هدف تحصیلی، ایجاد غم خواری، شایستگی، عشق و ورزیدن غیر عقلانی نمی باشد. به جای آن، احترام به دامنه وسیعی از استعدادهای بشر را به اثبات می رساند (نودینگر، ۲۰۰۷).

بحث و نتیجه گیری

غم خواری طبیعی نودینگر معتقد است رفتار اخلاقی به وسیله غم خواری طبیعی تبیین می شود. غم خواری طبیعی ناشی از تجربه است که فرد قبلاً از مورد غم خواری قرار گرفتن داشته است. بر طبق نظر نودینگر، بنای اصلی تربیت اخلاقی در اخلاق غم خواری، این است که انسان به طور طبیعی تمایل دارد، مورد غم خواری قرار بگیرد. نودینگر معتقد است که در غم خواری طبیعی، تکانه ای طبیعی را

برای انجام دادن کاری به سود دیگران می پذیریم و در دیگران فنا می شویم. در این حالت، احساس درد و شادی دیگران را درک می کنیم، اما مجبور نیستیم این تکانه را بپذیریم و حق انتخاب داریم؛ یعنی ممکن است آنچه را که احساس می کنیم، رد کنیم یا بپذیریم. اگر افراد دارای میل شدید به اخلاق باشند آن احساس را رد نمی کنند و این میل ناشی از «خود اخلاقی» است.

بنا بر گفته نودینگز، ما در این جهان متولد شده ایم و به زندگی اجتماعی رهنمون می شویم. رویکردی که در پیش می گیریم باید جنبه های ارتباطی واقعیت را تقویت کند و آن را در جهت ایجاد کنیم که بهترین لحظات غم خواری و مورد غم خواری قرار گرفتن را بیان کند. یک نظریه اجتماعی واقع گرا باید بررسی کند که چگونه غم خواری افراد می تواند پرورش یابد و در جهان نا کامل، تربیت شود که می توان از طریق آموزش به فرزندانمان به این امر مهم دست یابیم. لازم است، در تعاملات و قضاوت های انسان، چیزهای بیشتری به جای گذاشته شود. در این نظریه، اینکه در هر موقعیت چه کاری باید انجام گیرد، شرح داده نمی شود و خودش را در جهت تصحیح دائمی باز گذاشته است.

از سوی دیگر، تأکید نودینگز بر عاطفه، ارتباط و نیز موقعیت که همگرایی این رویکرد را از جهت رفتارها و احساسات اخلاقی بارویکرد عاطفه گرایی آشکار می سازد، موجب تمرکز بیشتری بر جنبش مدافعان حقوق زن شده است. وی معتقد است که زنان بیشتر در بعد عملی اخلاق وارد می شوند؛ زیرا وارد شدن به بعد نظری و نتیجه گیری از چنین مسائلی را یک سری مسایل فرعی می دانند. این امر به این دلیل نیست که آنان توانایی نتیجه گیری منطقی را ندارند، بلکه زنان غالباً می توانند برای اعمالشان دلیل بیاورند، اما این دلایل بیشتر بر احساسات، نیازها، تأثرات و دید ایده آل شخصی تأکید می کنند تا بر اصول همگانی.

منابع

غفاری، ابوالفضل (۱۳۸۵). عاطفه گرایی در اخلاق: پیشینه تاریخی تا وضعیت پست مدرن، فصل نامه مطالعات اسلامی، شماره ۷۱.

موحد، صمد؛ باقری، خسرو؛ سلحشوری، احمد (۱۳۸۷). بررسی تطبیقی دیدگاه های امام محمد غزالی و نل نودینگز، فصل نامه اندیشه دینی دانشگاه شیراز.

- Decoste, J. (2009). An "Ideal" Home for Care: Nel Noddings, Thomas Hill Green, and an Ontological Support for a Phenomenology of Care, *Interchange*, Vol. 40/3, 309–334.
- Fieri, J. (2008). Learning to care: A Focus for Values in health and environmental education, *Health Education Research. Theory & Practice*, Vol.12 no.4 1997.
- Hassan, Th. (2008). AN ETHIC OF CARE CRITIQUE, *Women's Studies Program*, 159-162.
- Noddings, N. (1984). *Caring: A Feminine Approach to Ethics and Moral Education* Berkeley: University of California Press, 1984.
- Noddings, N. (2002). *Starting at home: Caring and social policy*. Berkeley, CA: University of California Press.
- Noddings, N. (2007). Caring as relation and virtue in teaching. In P. S. Ivanhoe & R. Walker (Eds.), *Working virtue: Virtue ethics and contemporary moral problems* (pp. 41-60). Oxford, UK: Oxford University Press.
- Noddings, N. (2007). Teaching Themes of care. The Center for The Advancement of Ethics and Character. The School of Education, Boston University and The ASCD Chapter Education Network.
- Noddings, N. (2008). Caring and Peace Education. *Encyclopedia of Peace Education*, Teachers College, Columbia University.
- Noddings, N.(2003). *Caring: A feminine approach to ethics and moral education*. Berkeley, CA: University of California Press. (Original work published 1984).
- Weil, S. (1977). *Simone Weil reader* (G. A. Panichas, Ed.). Mt. Kisco, NY: Moyer Bell Limited.

تاریخ وصول: ۱۳۹۰/۱/۱۶

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۰/۴/۱